اَلدَّرْسُ الثّامِنُ

درس هشتم

يا مَنْ فِي الْبِحارِ عَجائِبُهُ مِن دُعاءِ الْجَوشَنِ الْكَبيرِ

ای کسی که در دریاها شگفتی‌هایش است.

يُشاهِدُ أَعضاءُ الْأُسرَةِ فِلْماً رائِعاً عَنِ الدُّلفينِ الَّذي أَنقَذَ إِنساناً مِنَ الْغَرَقِ، وَ أَوْصَلَهُ إِلَى الشّاطِئِ.

مشاهده می‌کنند اعضای خانواده فیلمی جالب از دلفینی که نجات داد انسانی را از غرق شدن، و رساند او را به ساحل

حامِدٌ: لا أُصَدِّقُ؛ هذا أَمرٌ عَجيبٌ. يُحَيِّرُني جِدّاً.

حامد: باور نمی‌کنم؛ این امری عجیب است. حیران می‌کند (شگفت زده می‌کند) مرا بسیار.

الْأَبُ: يا وَلَدي، لَيْسَ عَجيباً، لِأَنَّ الدُّلفينَ صَديقُ الْإِنسانِ فِي الْبِحارِ.

پدر: ای فرزندم، عجیب نیست، زیرا دلفین دوست انسان است در دریاها.

صادِقٌ: تَصديقُهُ صَعبٌ! يا أَبي، عَرِّفْنا عَلىٰ هٰذا الصَّديقِ.

صادق: باورش سخت است! ای پدرم، معرفی کن به ما این دوست را.

اَلْأَبُ: لَهُ ذاكِرَةٌ قَويَّةٌ، وَ سَمْعُهُ يَفوقُ سَمْعَ الْإِنسانِ عَشْرَ مَرّاتٍ، وَ وَزنُهُ يَبلُغُ ضِعْفَي وَزنِ الْإِنسانِ تَقريباً، وَ هوَ مِنَ الْحَيَواناتِ اللَّبونَةِ الَّتي تُرضِعُ صِغارَها.

پدر: حافظه‌ای قوی دارد، و شنوایی‌اش برتری دارد به شنوایی انسان ده برابر، و وزنش می‌رسد به دو برابر وزن انسان تقریباً، و آن از حیواناتی پستاندار است که شیر می‌دهد به بچه‌هایش.

نورا: إِنَّهُ حَيَوانٌ ذَكيٌّ يُحِبُّ مُساعَدَةَ الْإِنسانِ! أَ لَيْسَ كَذٰلِكَ؟

نورا: هان! آن حیوان باهوشی است که دوست دارد کمک کردن به انسان را! آیا اینطور نیست؟

اَلْأَبُ: بَلىٰ؛ بِالتَّأكيدِ، تَستَطيعُ الدَّلافينُ أَنْ تُرشِدَنا إِلىٰ مَكانِ سُقوطِ طائِرَةٍ أَوْ مَكانِ غَرَقِ سَفينَةٍ.

پدر: بله؛ قطعاً، می‌توانند دلفین‌ها که راهنمایی کنند ما را به مکان سقوط هواپیمایی یا مکان غرق شدن کشتی‌ای.

اَلْأُمُّ: تُؤَدّي الدَّلافينُ دَوراً مُهِمّاً فِي الْحَربِ وَ السِّلْمِ، وَ تَكْشِفُ ما تَحْتَ الْماءِ مِنْ عَجائِبَ وَ أَسرارٍ، وَ تُساعِدُ الْإِنسانَ عَلَى اكْتِشافِ أَماكِنِ تَجَمُّعِ الْأَسماكِ.

مادر: اینها می‌کنند دلفین‌ها نقشی مهم در جنگ و صلح، و کشف می‌کنند آنچه زیر آب است از شگفتی‌ها و اسرار، و کمک می‌کنند به انسان بر کشف اماکن تجمع ماهی‌ها.

